



تنبیه یا پیامد

میزان توسعه‌یافتگی معلم و چگونگی استفاده‌ی او از انواع قدرت‌هایش، نحوه‌ی تعامل او را با دانش‌آموزان در کلاس درس مشخص می‌کند. استفاده از تنبیه در استعاره‌ها و مثل‌های جامعه‌ی ما ریشه‌ی دیرینه دارد. حتی مثل‌هایی از تنبیه معلمی هم داریم: «چوب معلم گله، هر کی نخوره خُله!» یا «بچه‌ای که درس نمی‌خونه، گوشت و پوستش مال معلمه و استخوانش مال پدر و مادر!» و یا استفاده از تنبیه‌های بدنی مثل فلک کردن و شلنگ‌زدن در فرهنگ نه‌چندان گذشته‌ی جامعه‌ی ایرانی وجود داشت؛ تا جایی که احتمالاً بیشتر ما یا

جزو قربانیان این نوع خشونت‌های معلمی بودیم یا حداقل شاهد و ناظر آن در کلاس درس.

امروزه ابزاری مثل تنبیه‌های فیزیکی به دلیل تغییر رویکرد آموزش و پرورش و تغییر مطالبات خانواده‌ها بسیار کاهش پیدا

محمد رضا توحیدی

معاون مدرسه



کرده‌اند. البته کاهش تنبیه فیزیکی به منزله‌ی از بین رفتن شکل‌های دیگر تنبیه نیست. تنبیه‌های غیر فیزیکی همچون تحقیر، تهدید، سرزنش، غر زدن و توهین، هنوز رفتار غالب بعضی معلمان است و به دلیل نرم بودن نسبت به تنبیه فیزیکی و دشواری اثبات آن‌ها متأسفانه مشکل است. در اینکه معلمان قطعاً با نیت‌های خیری همچون ایجاد نظم در کلاس درس، بالابردن موفقیت‌های درسی دانش‌آموزان، افزایش تمرکز کلاس درس در حین تدریس و ده‌ها دلیل دیگر از این ابزارها استفاده می‌کنند، شکی وجود ندارد، اما آیا به اثرات منفی این رفتارها در زندگی فردی دانش‌آموزان و انتقال این فرهنگ در جامعه فکر کرده‌ایم؟

شاید سؤال معلمان اهل تنبیه این باشد که در مواقعی که کلاس به دلیل مشکلات انضباطی و درسی وارد بحران می‌شود،

اگر این ابزارها را از معلم بگیریم، مگر می‌توان کنترل کلاس درس را حفظ کرد؟

روان‌شناسی کنترل درونی به این سؤال پاسخی دقیق می‌دهد و با صراحت کامل می‌گوید بله! پیامد رفتار می‌تواند جایگزین تنبیه شود. توافق با دانش‌آموزان و مواجهه کردن آن‌ها با پیامدهای رفتارشان، اخلاقی‌ترین، کم‌آسیب‌ترین، مهربانانه‌ترین، منصفانه‌ترین و جالب این است که مقتدرانه‌ترین شیوه برخورد با دانش‌آموزان است. مواجهه کردن دانش‌آموز با پیامد رفتار یک شیوه آموزشی است که همراه خود مسئولیت‌پذیری، خودارزیابی و قانون‌گرایی را به ارمغان می‌آورد.

به نظر می‌رسد، معلمان به دلیل ناآگاهی نسبت به پیامد رفتار، از رفتارهای مخربی همچون تنبیه و تحقیر استفاده می‌کنند. پیامدگذاری شرایطی دارد که اگر درست انجام شود، کلاس درس بهتری را تجربه خواهیم کرد.

در ابتدا نیاز است در محیطی دوستانه و همراه با دانش‌آموزان، به طراحی قوانین به صورت مشارکتی پرداخت. پس شرط اول پیامدگذاری، توافق اولیه با دانش‌آموزان است. دانش‌آموزی که چارچوب کلاس درس را می‌داند و قوانین کلاس درس را پذیرفته است، وقتی از آن تخلف می‌کند، خودش می‌پذیرد که باید قانون اعمال شود. معلم در برابر این دانش‌آموز به جای توهین، تحقیر، غر زدن و سرزنش، فقط قانون را یادآوری می‌کند. از دانش‌آموز هم می‌خواهد قانون را بگوید و رفتار و عملکرد خود را نسبت به قانون ارزیابی کند. این عمل معلم و دعوت دانش‌آموز به خودارزیابی، به پذیرش پیامد کمک می‌کند. به کمک خودارزیابی که نسبت به رفتارهای مخرب تأثیر مثبت بیشتری دارد، می‌توان شرایط تغییر درونی و اصلاح رفتار را در دانش‌آموزان ایجاد کرد.

دو نوع پیامد می‌توان برای کلاس درس طراحی کرد: پیامد طبیعی و پیامد منطقی. پیامد طبیعی یعنی آنچه بدون دخالت معلم و بر مبنای عملکرد خود دانش‌آموز به صورت خودکار اتفاق می‌افتد. در این نوع پیامد معلم فقط به عنوان آگاهی‌دهنده عمل می‌کند. اما پیامدی که کاربرد زیادی در کلاس درس دارد، پیامد منطقی است. به جز توافق قبل از پیاده‌سازی که به آن اشاره شد، سه شرط دیگر برای پیامدگذاری نیاز است که توجه به آن‌ها بسیار مهم است؛ وگرنه ممکن است به جای پیامد به اشتباه از تنبیه استفاده کنیم.

۱. اخلاقی بودن پیامد: حفظ شأن و منزلت دانش‌آموزان در پیامدگذاری اهمیت بالایی دارد. اینکه دانش‌آموزان بپذیرند در صورت درس‌نخواندن یک ساعت رو به دیوار بایستند، رفتاری غیراخلاقی است؛ حتی اگر توافق شده باشد! به این نکته توجه کنیم که ما به دنبال توجیه افزایش قدرت خود در کلاس درس نیستیم و تا جایی که می‌توانیم، باید به عزت‌نفس و کرامت انسانی دانش‌آموزان توجه کنیم. انتخابی بودن پیامد هم می‌تواند به این موضوع کمک کند. مثلاً انتخاب اینکه دانش‌آموزی که تکلیف انجام ن داده است، زنگ ناهار در کلاس بماند و تکلیفش را انجام دهد یا یک نمره از کارنامه ماهانه اش کسر شود.

۲. منصفانه بودن پیامد: شدت پیامد با رفتار

دانش‌آموز و همین‌طور رفتار مشابه معلم با همه دانش‌آموزان، از شرط‌های مهم پیامدگذاری است. ممکن است دانش‌آموزان در حین پیامدگذاری پیامدهای سنگینی را پیشنهاد دهند. حتماً پیامدهایی را طراحی کنید که زیر پا نمی‌گذارید؛ زیرا قانون و پیامدی که زیر پا گذاشته می‌شود، اثر خود را از دست می‌دهد. دانش‌آموزان اهمیت قانون و اقتدار معلم را در اصرار معلم در پیاده کردن قوانین کلاس می‌بینند. خاطر مهم هست، معلمی با دانش‌آموزان قانونی گذاشته بود که در صورتی که دو بار تکلیف انجام ندهند، معلم برای همیشه کلاس درس را ترک کند. این قانون، چالشی را برای کلاس درس ایجاد کرده بود که هر تصمیمی، با صدمه به دانش‌آموزان و معلم همراه بود.

۳. متناسب بودن پیامد با رفتار انجام‌شده: هر چه

پیامد رفتار با رفتار خارج از قانون دانش‌آموز متناسب باشد، به پیامد طبیعی نزدیک‌تر خواهیم شد و اثر بیشتری خواهد داشت. مثلاً اگر قانون این است که در کلاس درس زباله ریخته نشود، می‌توان پیامد منطقی این رفتار را برای دانش‌آموزان، تمیز کردن سه روز کلاس درس بعد از تعطیلی مدرسه در نظر گرفت. هدف اصلی از پیامدگذاری، تکرار نکردن رفتار نامناسب و اصلاح آن است. به‌طور مثال، معلمی که به خاطر نمره پایین، دانش‌آموز را از کلاس اخراج می‌کند، به درممانده‌تر شدن دانش‌آموز سرعت بیشتری می‌دهد و این با هدف پیامدگذاری هم‌خوانی ندارد. به نظر می‌رسد، پیامدگذاری صحیح در کنار سه رکن ارتباط مؤثر در کلاس درس (رفتارهای مهربانانه، منصفانه و مقتدرانه) می‌تواند به توسعه‌یافتگی معلمان در حوزه ارتباط با دانش‌آموز کمک کند.

معلم مؤثر با مشارکت و توافق دانش‌آموزان قانون‌گذاری می‌کند و پیامدهای تخلف از قوانین را نیز به همراه دانش‌آموزان (با رعایت شرط‌های بالا) به تصویب می‌رساند و در صورت تخلف دانش‌آموزان، بدون توهین و تحقیر و غر زدن و کاملاً مهربانانه، قانون و پیامد را یادآوری می‌کند (البته سؤال کند بهتر است) و مقتدرانه روی قوانین خود می‌ایستد. برای درک بهتر تفاوت‌های تنبیه و توجه به پیامد به جدول توجه کنید:

توجه به پیامد	تنبیه
به روابط بین افراد (به کمک قانون) کمک می‌شود.	ارتباط داخل کلاس را از بین می‌رود.
انرژی کمی مصرف می‌شود و افراد کلاس کمتر آسیب می‌بینند.	به همه از جمله خود معلم آسیب می‌رسد.
فرد به خودارزیابی می‌پردازد و به دلیل پیامد پیش رو رفتارش را تکرار نمی‌کند.	فرد تنبیه‌شونده به جای اصلاح خشمگین می‌شود.
به دلیل مشارکت همه در قانون‌گذاری، پذیرش دانش‌آموز ساده‌تر می‌شود.	فرد به برداشتی شخصی از رفتار معلم می‌رسد.